

پدر

«تراژدی در سه پرده، ۱۸۸۷»

ترجمه از سوئدی به انگلیسی:

مایکل مه‌یر

ترجمه از انگلیسی به فارسی:

فتاح محمدی

سرشناسه: استریندبرگ، آوگوست، ۱۸۴۹ - ۱۹۱۲ م.

Strindberg, August

عنوان و نام پدیدآور: پدر: تراژدی در سه پرده، ۱۸۸۷

مشخصات نشر: تهران: تابان خرد، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۹۰-۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: August Strindberg. The Father.

شماره افزوده: محمدی، فتاح، ۱۳۳۲ -

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۸۶۲۰

پدر:

تراژدی در سه پرده، ۱۸۸۷

نویسنده: آوگوست استریندبرگ

مترجم: فتاح محمدی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: حیدری

نظارت چاپ: محمد خالق وردی

مدیر چاپ: مهدی محمدحسینی

چاپ اول: تابان خرد، ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۹۰-۵-۳

طراح جلد: هاله قربانی

آدرس: تهران، شهرک آپادانا، بلوک ۱۲، ورودی ۳، همکف شرقی

تلفن: ۴۴۶۴۹۶۷۱-۰۹۱۲۵۰۷۹۴۶۱



سال شمار زندگی یوهان آگوست استریندبرگ

۲۲ ژانویه ۱۸۴۵ تولد در استکهلم، چهارمین فرزند یک تاجر کشتی و کلفت سابق او.

۱۸۵۳ پدرش ورشکسته می شود.

۱۸۶۲ مادرش می میرد. سال بعد پدرش با کدبانوی خانه اش ازدواج می کند.

۱۸۶۷ به قصد تحصیل در رشته ی پزشکی به دانشگاه اوپسالا می رود.

۱۸۶۹ در امتحان ورودی مردود می شود، دانشگاه را ترک می کند و تصمیم می گیرد بازیگر تئاتر شود. ناکام می ماند. نخستین نمایش نامه های اش، هدیه ی روز اسم گذاری و آزاداندیش، را می نویسد.

۱۸۷۰ به اوپسالا بر می گردد تا زبان های مدرن و علوم سیاسی بخواند. چهارمین نمایش نامه اش، رُم مدت کوتاهی در رویال تیه تر

استکهلم به روی صحنه می‌رود.

۱۸۷۲ او پسالا را ترک می‌کند و در استکهلم اقامت می‌گزیند. سعی می‌کند دوباره بازیگر شود، باز هم ناکام می‌ماند. نخستین نمایش‌نامه‌ی مهم خود، *استاد اولاف*، را می‌نویسد، اما برای اجرای آن باید ۹ سال منتظر بماند.

۴ - ۱۸۷۲ روزنامه‌نگاری در استکهلم

۸۲ - ۱۸۷۴ کتابداری در استکهلم

۱۸۷۷ با بازیگر فنلاندی، سیری فون اسن، ازدواج می‌کند.

۱۸۷۹ با *رمان اتاق قرمز*، که یک زندگی‌نامه‌ی خود نوشته است، موفقیت خود را به عنوان یک نویسنده تثبیت می‌کند.

۲ - ۱۸۸۰ آثار مشهور تاریخی و شبه تاریخی می‌نویسد، و در همین سال *پادشاهی نوین* را که اثری تحریک‌آمیز است به رشته‌ی تحریر درمی‌آورد، کتابی که سیل حمله‌ها را به سوی او روانه می‌کند.

۱۸۸۳ از سوئد می‌رود (تا حدودی به دلیل این حمله‌ها) و شش سال بعدی را در فرانسه، سوئیس، آلمان، و دانمارک می‌گذراند. با *سفر پیتیر خوش‌اقبال* (نهمین نمایش‌نامه‌اش) طعم نخستین موفقیت در تئاتر را می‌چشد.

۱۸۸۴ یک مجموعه داستان کوتاه به عنوان *مزدوج شدن* منتشر می‌کند، به جرم کفرگویی تحت تعقیب قرار می‌گیرد؛ به سوئد باز می‌گردد تا در دادگاه حاضر شود، تبرئه می‌شود.

۱۸۸۷ پدر را در باواریا می‌نویسد. این نمایش‌نامه موفقیت کوچکی در دانمارک به دست می‌آورد اما در سوئد شکست می‌خورد. همچنین رمان *ناشیانه‌ای* می‌نویسد به نام *اهالی همسو*

[Hemso]، و رمانی به نام *دفاعیات یک مرد دیوانه* که در اصل به زبان فرانسه است و گزارشی از ازدواج خودش.

۱۸۸۸ فری یه بوهنه پدر را در برلین به روی صحنه می برد، استریندبرگ در آلمان معروف می شود. *دوشیزه جولی و طلبکار* را در دانمارک به رشته ی تحریر در می آورد. *دوشیزه جولی* به خاطر زیرپا گذاشتن اصول اخلاقی سیل حمله ها را به سوی استریندبرگ روانه می کند.

۱۸۸۹ *تئاتر تجربی* خودش را در دانمارک بنیان می نهد، *دوشیزه جولی و طلبکار* در آنجا به روی صحنه می روند و شکست می خورند. *تئاتر ورشکست* می شود. استریندبرگ به سوئد باز می گردد.

۱۸۸۹ از سیری جدا می شود.
۱۸۹۲ *بازی با آتش* را می نویسد، و نیز *ضمانت نامه ی* (*The Bond*) را که به مدت ۶ سال آخرین نمایش نامه ی او باقی می ماند. از سوئد به آلمان می رود.

۱۸۹۳ با روزنامه نگار اتریشی، فریدا یول ازدواج می کند. مدتی را در انگلستان می گذارند.

۷ - ۱۸۹۳ چند مقاله شبه علمی به زبان فرانسه برای نشریه های مخصوص کیمیاگری و نشریه های دیگر می نویسد.

۱۸۹۴ فریدا را ترک می کند و در پاریس مستقر می شود. *طلبکاران* و پدر در آنجا به نمایش در می آیند، و با استقبال مواجه می شوند. استریندبرگ مورد قدردانی قرار می گیرد اما، مثل همیشه، پولی نصیب او نمی شود.

۶ - ۱۸۹۴ تهیدست و تنها در پاریس. تجربه‌های علمی؛ بخت خود را در کیمیاگری می‌آزماید و سعی می‌کند طلا بسازد. نخستین ایده‌ی دوزخ؛ در یک قدمی جنون پرت می‌زند.

۱۸۹۶ از بحران روحی رها شده به سوئد باز می‌گردد.

۱۸۹۷ دوزخ را به زبان فرانسه می‌نویسد که گزارشی است از سال‌های جنون قریب‌الوقوع‌اش.

۱۸۹۸ بخش‌های اول و دوم سه گانه‌ی دراماتیک‌اش، به سوی دمشق، را می‌نویسد. در ۱۱ سال بعدی، سی و پنج نمایش‌نامه خلق می‌کند.

۱۸۹۹ همه‌جا جنایت است و جنایت را می‌نویسد، و نیز اریک چهاردهم را که بهترین نمایش‌نامه‌ی تاریخی‌اش است.

۱۹۰۰ با هریت بوسه، زن بازیگر نوروژی، که بیست و نه سال جوان‌تر از او است، آشنا می‌شود. عید پاک، و بخش‌های اول و دوم رقص مرگ را می‌نویسد.

۱۹۰۱ بخش سوم به سوی دمشق و یک نمایش رویایی را می‌نویسد. با هریت ازدواج می‌کند. هریت قبل از پایان سال او را ترک می‌کند، به مدت کوتاهی به سوی او باز می‌گردد، سپس برای همیشه می‌رود (هر چند آن دو تماس خود را قطع نمی‌کنند).

۶ - ۱۹۰۴ هیچ نمایش‌نامه‌ای نمی‌نویسد. شهرت و اعتبارش رو به افول می‌رود.

۱۹۰۷ در استکهلم، تماشاخانه‌ای تأسیس می‌کند به نام Intimate Theatre. چهار نمایش‌نامه‌ی مجلسی برای آن می‌نویسد: توفان، خانه‌ی سوخته، سونات اشباح، پلیکان (سه نمایش‌نامه‌ی نخست در

طی ده هفته نوشته شدند.) این نمایش نامه ها با سردی پذیرفته می شوند.

۱۹۰۹ آخرین نمایش نامه ی خود، *شاهراه بزرگ*، را می نویسد.

۱۲ - ۱۹۰۹ سه سال آخر زندگی را وقف نوشتن رساله هایی درباره ی سیاست، جامعه شناسی و فلسفه می کند.

۱۴ می ۱۹۱۲ در شصت و سه سالگی در استکهلم از سرطان معده می میرد.

www.ketab.ir